

نقش روسیه در اقتصاد و بازرگانی

جمهوریهای مسلمان آسیای مرکزی و

قفقاز

رضا پاکدامن

۱- مقدمه

روی آن نیز قابل ملاحظه است (۱). جمهوری ازبکستان نیز دارای یک چهارم ذخایر طلای جهان می باشد (۲). و جمهوری ترکمنستان نیز دارای سومین رتبه از نظر دارا بودن ذخایر سولفور و نیز منابع گاز طبیعی در جهان می باشد (۳).

با توجه به اهمیت منطقه، دولت روسیه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق به روشهای مختلف سعی در استمرار نفوذ و سلطه خود در جمهوریهای مسلمان شوروی سابق داشته است. نقش روسیه در این جمهوریها عمده‌تاً در زمینه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی - بازرگانی که دارای ارتباط متقابل با یکدیگر بوده، محسوس می‌باشد.

با توجه به ابعاد گسترده حضور روسیه در هریک از زمینه‌های فوق، مقاله حاضر صرفاً به تشریح نقش روسیه در اقتصاد و بازرگانی

اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی از وقایع کم‌نظیر قرن معاصر بوده که اثر شگرفی بر روابط بین‌الملل داشته است. یکی از پیامدهای این واقعه کسب استقلال شش جمهوری مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد.

منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل دارا بودن موقعیت ژئوپولیتیک و منابع طبیعی غنی و بکر موجود در آن، توجه جهانیان را به خود معطوف ساخته است. ذکر بعضی از آمار مربوط به ظرفیتهای اقتصادی منطقه، نمایانگر اهمیت جهانی آن می‌باشد.

به عنوان نمونه، جمهوری تاجیکستان که فقیرترین جمهوری شوروی سابق بوده و هم اکنون از مشکلات سیاسی حادی رنج می‌برد، ۱۴ درصد از ذخایر اورانیوم شناخته شده در دنیا را در خود جای داده و میزان ذخایر معادن مس و

جمهوریهای مزبور پس از کسب استقلال اختصاص یافته است.

سیاستهای اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی را به سه دوره تقسیم کرده اند:

۲ - سیاستهای اقتصادی - بازرگانی حاکم بر جمهوریهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز طی دوران شوروی سابق

همان گونه که قبلاً اشاره گردید، منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل دارا بودن موقعیت ویژه ژئوپولیتیکی و نیز وجود ثروتهای هنگفت نهفته در آن، از زمانهای دور مورد توجه قدرتهای منطقه‌ای و بین‌المللی قرار داشته است.

کشور روسیه به دلیل همجواری با منطقه، طی تاریخ، بیشترین نفوذ و دخالت را در آن داشته که سابقه مداخلات مسکو در این منطقه به دوران حکومت تزار "ایوان مخوف" در قرن شانزدهم میلادی برمی گردد. تزارهای روسی به منطقه آسیای مرکزی به منزله سرزمینهای گسترده بی صاحب نگریسته و به منظور گسترش امپراطوری خود، این منطقه غنی را مورد تاخت و تاز قرار می دادند (۴).

وقوع انقلاب بلشویکی روسیه در سال ۱۹۱۷ تحول مثبتی در روابط استعماری مسکو با مردم این منطقه پدید نیاورد. روسهای «سرخ» نیز ادامه سلطه بر این منطقه را از نظر سیاسی و اقتصادی ضروری تشخیص داده و طی دوران حیات حکومت شوروی سابق، سیاستهای خاصی در قبال این منطقه اتخاذ نموده بودند.

الف - دوره حاکمیت کمونیسم جنگی، طی این دوره که از سالهای ۱۹۱۷ لغایت ۱۹۲۱ ادامه داشت، رهبران بلشویک سیاستهایی از جمله حذف پول از نظام اقتصادی کشور، منع معاملات بخش خصوصی، مصادره محصولات مازاد کشاورزی و ملی کردن زمین را دنبال می کردند، که موجب بروز هرج و مرج در کشور گردید.

ب - دوره اجرای سیاستهای جدید اقتصادی (نپ) (۵)، با توجه به معضلات پدید آمده در امور کشور، رهبران شوروی سابق سالهای ۱۹۲۱ لغایت ۱۹۲۸ را به اصلاح و نظم‌دهی اقتصاد این کشور اختصاص دادند. این دوره نیز نتوانست به طور موثر وضعیت جمهوریهای شوروی سابق را سامان دهد.

ج - دوره اجرای برنامه های پنجساله، در سال ۱۹۲۸ حزب کمونیست شوروی سابق، استالین را به عنوان رهبر، و سوسیالیسم را به عنوان سیاست کلی جدید حزب تعیین نمود. آغاز زمامداری استالین و اجرای مدل اقتصادی وی، نقطه عطف اجرای سیاستهای استعماری روسها علیه جمهوریهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز بود. استالین که به زعم خود به منظور نجات

شوروی سابق از وضعیت بحرانی، مدل اقتصادی خود را بر دو محور اشتراکی کردن و صنعتی کردن قرار داده بود، سنگ بنای وابستگی اقتصادی این جمهوریهای مسلمان را به روسیه بنا نهاد که بعد از گذشت بیش از شصت سال مردم این جمهوریها کماکان از تبعات سیاستهای مزبور متضرر و در تنگنا می‌باشند.

تاجیکستان که فقیرترین جمهوری شوروی سابق بوده، دارای معادن بسیار با ارزش اورانیوم، مس و روی می‌باشد.

طبق مدل اقتصادی استالین که به زور سرنیزه و سرکوب هرگونه مخالفت اجرا گردید، بعضی از جمهوریهای شوروی سابق به تهیه مواد اولیه برای انجام تولیدات صنعتی در دیگر جمهوریها، اختصاص یافتند. در مدل اقتصادی استالین، مناطق لنینگراد و مسکو، در جمهوری روسیه و کیف (۶)، خارکوف (۷) و دریاچه دونت (۸) در جمهوری اکراین به عنوان مناطق صنعتی شوروی سابق تعیین گردیدند.

در مقابل، جمهوریهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز وظیفه تأمین مواد اولیه مورد نیاز مناطق صنعتی شوروی را به عهده گرفتند (۹).

در این طبقه بندی از جمهوریهای شوروی سابق، رهبران بلشویک - اکثرأ روس - نه مصالح کل مردم جمهوریهای شوروی سابق، بلکه

دیدگاههای ملی‌گرایانه روسی خودشان را دخالت داده بودند. زیرا با توجه به ریشه‌های تاریخی اعتقاد روسها مبنی بر برتری بر اقوام دیگر منطقه، بعد از انقلاب اکتبر نیز رهبران بلشویک که اکثرأ روس بودند جمهوریهای غیر روس شوروی سابق را به سه گروه زیر طبقه بندی، و هرگونه سیاستهای اقتصادی - سیاسی و حتی فرهنگی را متناسب با طبقه اعطایی به هر جمهوری اعمال می‌کردند.

۱ - جمهوریهای قابل اعتماد؛ جمهوریهای اسلاو و جمهوریهای واقع در منطقه بالتیک به دلیل دارا بودن مشترکات فرهنگی، قومی و مذهبی مورد اعتماد هیات حاکمه شوروی سابق بوده و بعد از روسیه بیشترین امتیازات و امکانات توسعه به این جمهوریها اختصاص می‌یافت.

۲ - جمهوریهای مشکوک؛ جمهوریهای گرجستان، ارمنستان و آذربایجان که در منطقه قفقاز واقع شده‌اند، به دلیل آنکه الحاق آنها به اتحاد جماهیر شوروی «کم و بیش» داوطلبانه لیکن به واسطه اجبار بوده، به عنوان جمهوریهای مشکوک رفتار می‌گردید.

۳ - جمهوریهای غیرقابل اعتماد، جمهوریهای مسلمان آسیای مرکزی که دارای سابقه طولانی مبارزه استقلال طلبانه علیه حکومتهای تزاری و کمونیستی روسها بودند، در فهرست جمهوریهای غیرقابل اعتماد حکومت شوروی سابق قرار داشته، و در نتیجه کمترین توسعه اقتصادی و فرهنگی بین

جمهوریهای شوروی سابق متعلق به این جمهوریها بوده، که یکی از نمونه های اعمال سیاستهای ناعادلانه علیه این جمهوریها، در اجرای برنامه اقتصادی استالین مشهود می باشد (۱۰).

نحوه اجرای برنامه اقتصادی استالین در جمهوریهای مسلمان، نمایشی از یک تصفیه حساب سیاسی با مسلمانان این منطقه بود.

طبق برنامه های اقتصادی دولت شوروی سابق که از زمان استالین شروع گردید، مناطق آسیای مرکزی را مأمور کشت پنبه و استخراج مواد معدنی از منابع غنی موجود در آنها و انتقال این مواد اولیه به کارخانجات واقع در سایر جمهوریهای شوروی سابق که عمدتاً در روسیه و اوکراین قرار داشتند، بود.

در اجرای این سیاست، زمینهای مرغوب کشاورزی جمهوریهای مسلمان، اکثراً به کشت پنبه به جای غلات و برنج اختصاص یافته که این موضوع موجب گردید جمهوریهای مزبور حتی برای تامین گندم مورد نیاز خود دست نیاز به سوی سایر جمهوریها بخصوص روسیه دراز نمایند.

در انتخاب پنبه برای کشت در این منطقه وسیع، حتی ملاحظات اقتصادی و منافع اقتصادی کل کشور شوروی سابق مدنظر طراحان این سیاست قرار نداشت؛ زیرا محصول پنبه نسبت به سایر محصولات کشاورزی، نیروی کار عظیمی به خود اختصاص می دهد. مثلاً کاشت، داشت و برداشت پنبه ۳۵ برابر

محصول گندم یا چغندر قند، ۱۴ برابر سبزمینی و ۶ برابر سبزیجات به نیروی کار کشاورزی و نیز مقدار زیادی به آبیاری احتیاج دارد. مضافاً این که تمرکز بیش از حد کشت پنبه موجب پراکندگی آفات نباتی در سطح منطقه آسیای مرکزی شده بود.

**طسببق مسدل اقسئصاءى اسئسالىن،
جمهوریهای مسلمان شوروی سابق صرفاً
به کشت پنبه و تامین مواد اولیه مورد
نیاز سایر جمهوریهای سابق اختصاص
یافته بودند.**

بررسی تبعات سیاست کشت پنبه در مورد ازبکستان، می تواند نمایانگر نمونه ای از وضعیت اسفبار کل منطقه باشد.

قبل از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، محصول گندم ۷۰ درصد و پنبه فقط ۱۹ درصد بود، در صورتی که در سال ۱۹۸۹، محصول زیرکشت گندم ۲۱ درصد و پنبه ۴۷ درصد از کل محصولات زیرکشت این جمهوری را تشکیل می داد و میزان کل برداشت پنبه از ۳۵۰ هزار تن در سال ۱۹۱۳ به ۵ میلیون تن در سال ۱۹۹۰ رسید. این موضوع موجب گردید که خاک کشاورزی این جمهوری را فقیر، منابع زیاد آب و نیروی انسانی را به خود تخصیص دهد (۱۱).

نکته جالب توجه در کشت پنبه به میزان بسیار بیش از نیاز، مصرف داخلی این جمهوریها بوده، به طوری که جمهوری

ازبکستان دو سوم پنبه شوروی سابق را تامین که فقط بخش ناچیزی از محصولات (حدود ۴ تا ۵ درصد تا پایان ۱۹۷۰) در داخل این جمهوری مصرف و بقیه محصول به کارخانجات پارچه بافی منتقل می‌گردید.

سیاست تک محصولی کردن جمهوریهای مسلمان، آنچنان از ماهیت استعماری برخوردار بود که حتی اعتراض شدید بعضی از رهبران محلی احزاب کمونیست این جمهوریها را برانگیخت، که این اعتراضات شدیداً توسط دولت کرملین سرکوب گردید.

از جمله این افراد، فیض... خوجایف، رئیس سابق دولت ازبکستان بود که به جرم مخالفت با سیاست تک محصولی کردن جمهوری ازبکستان و منحصر کردن محصولات این جمهوری به پنبه، اعدام گردید (۱۲).

قلمرو جمهوری اسلامی ایران دارای نقش استراتژیک برای تجارت خارجی این کشورها می‌باشد.

سیاست اقتصادی شوروی سابق در قبال جمهوریهای آسیای مرکزی نه تنها کشاورزی، بلکه دامپروری در این مناطق را نیز نابود کرد.

آغاز وابستگی و تخریب اقتصاد ملی این جمهوریها با فرمان ۳۰ ژوئن ۱۹۳۰ مبنی بر ایجاد مزارع اشتراکی مصادف بود. ملزم ساختن دامپروران به تحویل دامهایشان به مزارع اشتراکی، موجب گردید قبل از رسیدن مهلت

تعیین شده، آنها تا حد امکان دامهای خود را ذبح و به مصرف رسانند تا به دست دولت نرسد.

در این مورد یکی از اقتصاددانان روسی نوشت: "در دو شب شماره دامهای شاخدار در گرمیاچی به نصف رسید. زیرزمینها و انبارها پر از گوشت بود، مردم به هم می‌گفتند: سر بیتر، حالا که مال ما نیست. به هر حال بنگاه تدارکات گوشت از شما می‌گیرد.

مزارع اشتراکی نیز به دلیل عدم توانایی و تجربه در دامداری، نتوانست حداقل، تعداد دام باقیمانده در این مناطق را حفظ کرده و به تدریج دامداری در آسیای مرکزی از جمله قزاقستان تقریباً نابود گردیده و این واقعه نه تنها در توان اقتصادی مردم تاثیر منفی داشته بلکه موجب گردید که مثلاً جمعیت قزاقستان به دلیل وابستگی شدید به دامداری و انهدام آن، و اجبار به مهاجرت، طی دوره کوتاهی شدیداً کاهش یابد به طوری که، طی سرشماریهای به عمل آمده در سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۳۹، جمعیت قزاقستان ۲۰ درصد کاهش یافته بود (۱۳).

در زمینه صنعت و معدن نیز، جمهوریهای آسیای مرکزی از توسعه ای که استحقاق آنها داشتند، محروم نگه داشته شده بودند. به عنوان نمونه، جمهوری قزاقستان علی رغم دارا بودن منابع غنی معدنی، نفتی و گازی فاقد صنایع سنگین مجهز برای استفاده بهینه از این منابع بود.

عدم احداث پالایشگاه نفتی برای این جمهوری نفت خیز موجب گردیده که قزاقستان

اقتصادی این کشور، بازرگانی خارجی جمهوریهای شوروی سابق را در ابعاد وسیعی محدود به مبادله با یکدیگر کرده بود.

آمار و ارقام گویای میزان وابستگی جمهوریهای غیرروس خصوصاً جمهوریهای مسلمان به سایر جمهوریهای شوروی سابق و بیش از همه به روسیه بوده است که این وابستگی حتی بعد از کسب استقلال نیز گریبان آنها را رها نساخته است.

جدول (۱) حکایت از این موضوع دارد که بازرگانی خارجی این جمهوریها به نحوی طراحی شده بود که اکثر آنها دارای تراز بازرگانی خارجی منفی، و دارای بدهیهای خارجی بوده اند.

**جمهوریهای مسلمان شوروی سابق
فاقد تکنولوژی و کادر متخصص برای
بهره‌برداری از منابع غنی نفتی و معدنی
خود می‌باشند.**

طبق آمار رسمی، طی دوران حکومت شوروی، ۹۰ درصد تجارت خارجی قزاقستان، حدود ۱۵ درصد تجارت خارجی ازبکستان و حدود ۸۷ درصد تجارت خارجی آذربایجان با سایر جمهوریهای شوروی سابق بوده که در این میان، روسیه طرف مهم تجاری این جمهوریها محسوب شده، که به عنوان نمونه، در سال ۱۹۹۱، ۵۸ درصد تجارت خارجی جمهوری آذربایجان با روسیه صورت گرفته است (۱۶).

برای تصفیه نفت خود به منظور مصرف داخلی و یا صادرات ناگزیر به استفاده از پالایشگاههای روسیه گردد. این سیاست از اولین برنامه پنجساله شوروی سابق بین سالهای ۱۹۲۹-۳۳، اجرا گردیده و منابع طبیعی غنی این جمهوری به عنوان منبع تأمین مواد اولیه صنایع سنگین روسیه عمل می‌کرد (۱۴).

در آخرین برنامه پنجساله شوروی سابق بین سالهای ۱۹۸۶ - ۱۹۹۰ نیز کل منطقه آسیای مرکزی از توسعه صنایع سنگین مستثنا گردیده بود.

وجود بعضی از صنایع در منطقه آسیای مرکزی نیز معلول شرایط پدیدآمده ناشی از جنگ جهانی دوم و نه تصمیمات خیرخواهانه حاکمان کرملین در مورد مردم این منطقه می‌باشد.

با وقوع جنگ جهانی دوم و پیشروی قوای آلمان نازی به سمت جبهه‌های شرقی، روسها برای محافظت از صنایع مستقر در این نواحی، آنها را به مناطق مرکزی شوروی، خصوصاً جمهوری قزاقستان منتقل ساختند. اگرچه بعد از اتمام جنگ، بخش اعظم این صنایع مجدداً به نواحی غربی شوروی منتقل شد، لیکن همین بخش کوچک از صنایع به جای مانده، نقش مهمی در اقتصاد جمهوری قزاقستان داشته، به طوری که پیشرفتهای این جمهوری از سایر جمهوریهای مسلمان متمایز می‌سازد (۱۵).

در راستای سیاست تک محصولی کردن جمهوریهای غیرروس شوروی سابق، طراحان

روند تجارت خارجی جمهوریهای مسلمان شوروی سابق با سایر جمهوریهای این کشور طی سالهای ۱۹۹۰ میلادی (۱۷).

واحد: میلیون روبل

نام کشور	صادرات	واردات	تراز
قزاقستان	۸۴۴۳	۱۳۰۲۶	-۴۵۸۳
ازبکستان	۸/۲	۱۱/۹	-۳/۷
قرقیزستان	۲۴۴۶	۲۸۶۳	-۴۱۷
ترکمنستان	۲۴۶۹	۲۹۲۷	-۴۵۸
تاجیکستان	۱۶۷۲	۲۲۱۲	-۵۴۰
آذربایجان	۶۱۰۵	۴۲۴۷	۱۸۵۸

طبیعتاً این وضعیت ضربه شکننده برای قوام یافتن نظامهای اقتصادی - سیاسی و فرهنگی جمهوریهای مزبور بود (۱۸).

۳- وضعیت رابطه اقتصادی - بازرگانی روسیه با جمهوریهای مسلمان پس از کسب استقلال

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و کسب استقلال توسط جمهوریهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز، دولتمردان این جمهوریها، تلاش فراوانی را برای احیای اقتصاد فقیر و وابسته کشورهايشان آغاز کردند. لیکن به دلیل اجرای سیاستهای اقتصادی دقیقاً طراحی شده کرملین طی دهها سال در این جمهوریها، کشورهای مزبور در مسیر بازسازی با مشکلات

صرف نظر از کانالیزه شدن روابط بازرگانی خارجی جمهوریهای مسلمان در دوران شوروی سابق، روابط عادلانه‌ای بین روسیه با این جمهوریها برقرار نبوده و بلکه بیشتر حالت استعماری و یک طرفه به نفع روسیه داشته است.

قیمتهای تعیین شده و بلکه تحمیل شده برای کالاهای مورد مبادله بین روسیه با این جمهوریها با قیمتهای واقعی روز در بازارهای جهانی، تفاوت فاحشی داشت.

به عنوان نمونه قیمتهای تعیین شده برای کالاهای صادراتی ترکمنستان به روسیه که عمدتاً نفت، گاز و پنبه بود، با قیمتهای جهانی غیرقابل قیاس بود ایضاً طی این دوران جمهوری ازبکستان فقط ۲۰ درصد از کل قیمت پنبه صادراتی به روسیه را دریافت می داشت.

و موانع عدیده‌ای مواجه می‌باشند.

از جمله این موارد عبارتند از:

و پالایش نفت حتی برای تامین نیازهای داخلی خود نیز با مشکل مواجه است. به طوری که یکی از اعضای هیات نمایندگی دولت قزاقستان که سال گذشته به انگلستان سفر کرده بود، اظهار می‌دارد:

«ما روی میلیاردها تن نفت و گاز راه می‌رویم. در حالی که از شدت سرما در فصل سرما جان می‌دهیم. علت بروز این وضع اسفناک چیزی جز عدم توافق بین روسیه و قزاقستان نیست. زیرا قزاقها خود پالایشگاه نداشته و توافق لازم بین روسیه و قزاقستان (به منظور پالایش نفت این کشور) در پالایشگاههای روسیه حاصل نشده است» (۱۹).

همچنین در سایر جمهوریها نیز بهره‌برداری از معادن غنی و با ارزش نیماز به سرمایه‌گذاریهای هنگفت و نیز دوره‌ای میان مدت برای جوابگویی این سرمایه‌گذاریها دارد. برای حل این معضل بسیاری از دولتمردان جمهوریهای جدیدالاستقلال دست نیاز به سوی شرکتهای و بانکهای خارجی و اکثراً غربی دراز نموده‌اند، که با توجه به شناخت شرکتهای غربی از منابع بکر و ذی قیمت نهفته در منطقه، به خواسته دولتهای این جمهوریها، سریعاً پاسخ مثبت گفته به طوری که با گذشت مدت کوتاهی از کسب استقلال، این جمهوریها دهها قرارداد عظیم استخراج و بهره‌برداری از منابع معدنی، نفتی و گاز با شرکتهای خارجی منعقد نموده‌اند.

یکی از این قراردادها، قرارداد منعقد بین

الف - تک محصولی بودن اقتصاد این کشورها

همان گونه که قبلاً اشاره گردید، سیاست اقتصادی کرملین در قبال جمهوریهای مزبور براین اصل بنا شده بود که امکانات هریک از این جمهوریها علی‌رغم دارا بودن توانایی فعالیت در زمینه‌های مختلف کشاورزی و صنعتی، عمدتاً در زمینه یک قلم کالا متمرکز گردیده و در سایر زمینه‌ها وابسته به واردات باشند.

به عنوان نمونه، جمهوریهای قزاقستان و ترکمنستان که دارای منابع عظیم نفت و گاز بوده‌اند، علی‌رغم رشد و توسعه بخش صنعت نفت و گاز در این کشورها، بعضاً وابسته به واردات فرآورده‌های نفتی می‌باشند. و یا وجود معادن غنی طلا در ازبکستان نتوانسته، پشتوانه قوی بر شکوفایی اقتصاد این کشور جدیدالاستقلال گردد.

مشکل اصلی این جمهوریها در تنوع‌سازی تولیدات به منظور عدم نیاز به واردات و در مرحله بعد توسعه صادرات، نیماز به سرمایه‌گذاریهای هنگفت در امور زیربنایی بخشهای صنعت و معدن بوده که این جمهوریها فاقد توان مالی کافی برای اجرای این طرحها می‌باشند.

به عنوان نمونه جمهوری قزاقستان که بر روی دریایی از نفت قرار دارد در زمینه استخراج

دولت آذربایجان و چند شرکت بزرگ نفتی غربی در شهریور ۱۳۷۳ می‌باشد. به گزارش روزنامه ایزوستیا چاپ مسکو، به موجب قرارداد مزبور که به دلیل عظمت ارزش آن، به قرارداد «قرن» شهرت یافته، طی مدت سی سال ۵۱۱ میلیون تن نفت از دریای خزر استخراج شده که از این میزان فقط ۲۵۳ میلیون تن نفت استخراجی متعلق به آذربایجان خواهد بود. ۸۰ درصد از سرمایه‌گذاریهای لازم که معادل ۷/۴ میلیون دلار می‌گردد توسط شرکتهای غربی صورت خواهد گرفت. همچنین ۵۵ میلیارد متر مکعب گاز حاصل از این بهره‌برداری به جمهوری آذربایجان تعلق خواهد داشت (۲۰).

امضای این قرارداد بدون سهم کردن روسیه، خشم کرملین را برانگیخته، به طوری که دولت یلتسین رسماً و صریحاً به دولت آذربایجان در رابطه با عواقب این اقدام هشدار داده و به گزارش یک روزنامه رسمی دیگر، رئیس جمهور روسیه به منظور تحت فشار قرار دادن دولت آذربایجان در زمینه مشارکت دادن روسیه در عملیات بهره‌برداری از منابع نفتی در تابستان ۷۳ دستور محرمانه‌ای صادر نمود (۲۱).

یکی از پیامدهای اقدام مستقل دولت آذربایجان در عدم انتخاب روسیه به عنوان طرف معامله طبق روال دوران شوروی سابق، وقوع کودتای نافرجام مهرماه ۷۳ در باکو بود. نقش روسیه در این کودتا آن چنان بارز بوده

که حتی حیدرعلی‌اف رئیس جمهور آذربایجان بعد از شکست کودتا رسماً اعلام داشت که «رئیس جمهور سابق و رئیس کا.گ.ب سابق این جمهوری در مسکو این کودتا را طراحی کرده بودند» (۲۲).

اعمال فشار سیاسی و نظامی توسط روسیه علیه آذربایجان مثل کمک تسلیحاتی به ارامنه در جنگ قره‌باغ (۲۳)، اقدام هشداردهنده‌ای برای سایر جمهوریهای مسلمان محسوب می‌گردد، که در انجام معاملات خارجی، کاملاً دارای استقلال رای نبوده و باید به نحوی رضایت «برادر بزرگ» را تامین نمایند.

ب - وابستگی ساختاری به روسیه از نظر

لیجستیک و حمل و نقل بین‌المللی

یکی دیگر از مشکلات اساسی جمهوریهای مسلمان شوروی سابق در زمینه اقتصاد و بازرگانی خارجی، وابستگی این کشورها به قلمرو روسیه و تاسیسات موجود در آن می‌باشد. طی دوران حکومت شوروی سابق، جاده‌ها، خطوط راه آهن، خطوط لوله انتقال نفت و گاز به نحوی احداث گردیده بود که نهایتاً به روسیه ختم می‌شدند. این موضوع، پس از کسب استقلال یک مشکل عمومی برای جمهوریهای مزبور به منظور حمل و نقل کالاهای صادراتی و وارداتی آنها ایجاد نموده، و از این وضعیت در حال حاضر روسیه کمال سوءاستفاده به منظور باج‌خواهی از حکومت‌های جوان این کشورها را میکند.

به عنوان نمونه، صادرات نفت برای بقای جمهوری قزاقستان حیاتی بوده، که در این زمینه بعد از انعقاد قراردادهایی با شرکتهای غربی، در زمینه استخراج نفت این جمهوری با مسأله نحوه انتقال آن به خارج مواجه شده است؛ زیرا تنها خط انتقال نفت موجود قزاقستان از خاک روسیه می‌گذرد و روسیه از این موضوع برای اعمال فشار بر دولت قزاقستان استفاده کرده و موضعی سخت اتخاذ کرده‌اند. به حدی که حتی پیشنهاد شرکت آمریکائی شورن در مورد شرط مالکیت ۵۰ درصد کنسرسيوم احداث خط لوله نفتی قزاقستان به بندر روسی در ساحل دریای سیاه برای تقبل نیمی از هزینه‌های طرح را که اخیراً به وزیر نفت روسیه ارائه شده بود را نپذیرفتند.

ترکمنستان نیز در زمینه صدور گاز، با توقعات بالای روسیه به دلیل گذشتن خط لوله انتقال گاز از خاک این کشور مواجه شده است (۲۴).

آذربایجان نیز برای انتقال نفت خود به بازارهای جهانی با مشکلاتی مواجه بوده و به ناچار مجدداً به سوی روسیه دست نیاز دراز نموده است. بروز جنگ در قره باغ همچنین مشکلات موجود در منطقه آبخازستان جمهوری گرجستان، موجب گردیده که جمهوری آذربایجان به صدور نفت خود از طریق خاک روسیه حتی توسط راه آهن، مجبور گردد. در حال حاضر نیز طرحی در دست مطالعه می‌باشد که خط لوله نفت خام که از استان «تیومن» در

روسیه به پالایشگاه باکو امتداد داشت را برعکس کرده تا نفت صادراتی آذربایجان را بتوان از طریق آن به بندر روسیه رساند (۲۵).

عدم دسترسی مستقیم جمهوریهای مسلمان شوروی سابق به آبهای بین‌المللی و وجود سد بزرگی چون روسیه در مقابل آنها، مشکل اصلی بازرگانی خارجی این کشورها در زمینه حمل و نقل کلیه کالاهای مورد مبادله با خارج از قلمرو شوروی سابق می‌باشد.

۴ - اتحادیه کشورهای مستقل مشترک المنافع (CIS)

«الکسی پوشکف» سردبیر هفته‌نامه «مسکونوز» که مسؤولیت تنظیم متن سخنرانیهای گورباچف در دوران ریاست جمهوری وی را به عهده داشت در زمستان سال ۱۹۹۴ در مقاله‌ای نوشت:

«شوروی سابق از بعد اقتصادی، یک بدنه واحد بود. هیچکدام از جمهوریها به بازار خارج از خودشان راه نداشته و متکی به یکدیگرند. همچنان که تجربه اکراین نشان داد، تقریباً همه این کشورها متکی به نفت، گاز و دیگر منابع و ماشین‌آلات روسیه می‌باشند. طبیعی است در این چارچوب روسیه نقش هسته مرکزی اقتصادی این جامعه نوظهور را ایفا کند. می‌توان گفت، روسیه به منظور تقویت نقش خود در قلمرو شوروی سابق، از این وابستگی جمهوریهای مزبور بهره‌برداری می‌کند (۲۶).

روسیه به منظور استمرار و هدایت این

روند وابستگی به ابتکار ایجاد یک پیمان منطقه ای بین جمهوریهای شوروی سابق بعد از کسب استقلال آنها دست زد، که سه جمهوری اسلاو (روسیه، اکراین و بیلوروسی) موسس آن بوده، سپس سایر جمهوریها نیز به آن پیوستند. در بین جمهوریهای مسلمان شوروی سابق در حال حاضر جمهوری آذربایجان تنها کشوری است که به این اتحادیه نیوسته است. الحاق سایر جمهوریها به این اتحادیه به رهبری روسیه نیز از روی ملاحظات سیاسی و ضرورت‌های اقتصادی بوده است.

سرمایه‌گذاریهای مشترک برای بهره‌برداری منابع نفتی و معدنی این جمهوریها بهترین روش موجود برای تسحکیم روابط دراز مدت اقتصادی - بازرگانی با این کشورها می‌باشد.

تحت پوشش این اتحادیه، روسیه سعی به حفظ موقعیت خود در قلمرو شوروی سابق دارد. انعقاد ۷۲ قرارداد با سایر اعضای اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع طی سال ۱۳۷۲ توسط روسیه نمایانگر میزان و ابعاد فعالیت روسیه در این زمینه می‌باشد (۲۷).

لیکن این اتحادیه سریعاً غیر عملی بودن خود را به اثبات می‌رساند. به طوری که الکساندر شوخین معاون نخست وزیر روسیه در اجلاس تعدادی از سران کشورهای عضو اتحادیه - که در سال ۷۳ در ترکمنستان برگزار

گردید - اظهار داشت:

«اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع از ابتکار عمل و انرژی فراوانی برخوردار نبوده ولی به رغم آن هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد (۲۸).»

این موضوع عدم تمایل جدی اعضای غیرروس این اتحادیه، به مشارکت فعال در برنامه‌هایی که روسها برای آنها ترسیم نموده اند را نشان می‌دهد.

یکی از اقداماتی که از درون این اتحادیه به منظور تضعیف آن برداشته شده، تصمیم ژانویه ۱۹۹۴ قزاقستان و ازبکستان مبنی بر ایجاد یک اتحادیه اقتصادی به منظور مبادله آزادانه کالا، خدمات و سرمایه و نیز هماهنگ‌سازی عملیات بانکی، بودجه، مالیات، حقوق گمرکی و نرخ ارز تا سال ۲۰۰۰ می‌باشد.

طبق تحلیل نشریه اکونومیست، اندیشه ایجاد نوعی اتحاد اقتصادی بین پنج جمهوری آسیای مرکزی از مدتها قبل طراحی شده لیکن این کشورها که به تازگی استقلال خود را کسب نموده اند از متعهد ساختن خود به هر نوع سیاست مشترک در قالب هر اتحادیه ای محتاطانه عمل می‌کنند. این نشریه می‌افزاید، تصمیم کشور قزاقستان و ازبکستان برای ایجاد این اتحادیه - تحت فشار ناشی از فروپاشی قریب‌الوقوع اقتصادی و نیز ضرورت کاهش وابستگی اقتصادی به روسیه گرفته شده است.

آقای نظربایف از سایر جمهوریها نیز برای عضویت در این اتحادیه دعوت بعمل آورده است (۲۹).

۵- نقش اقلیتهای روس تبار در اقتصاد و بازرگانی جمهوریهای مسلمان شوروی سابق

وضعیت اقلیتهای روس تبار مقیم جمهوریهای شوروی سابق از جمله جمهوریهای مسلمان، یکی از معضلات مهم این جمهوریها پس از کسب استقلال بوده، به نحوی که بسیاری از تصمیمات متخذه توسط این جمهوریها را تحت الشعاع قرار داده است.

سیاست اسکان مهاجران روس در جمهوریهای آسیای مرکزی از دوران حکومت تزارها آغاز و طی دوران حکومت کمونیستی نیز شدت یافت. استالین بر سیاست روسی کردن این مناطق تاکید زیاد داشت. وقوع جنگ جهانی دوم بهانه دیگری برای مهاجرت دادن روسها به آسیای مرکزی بود. با پیشروی قوای هیتلری در جبهه‌های شرقی، دولت‌مردان مسکو به منظور مصون نگهداشتن صنایع و کارخانجات مستقر در این مناطق، این تاسیسات را همراه با کارکنان روسی آنها به سایر مناطق خصوصاً قزاقستان انتقال دادند. این موضوع موجب اقامت دائمی بخشی از متخصصان روسی در آسیای مرکزی شده، که اینک نیز در بخشهای تخصصی این جمهوریهای مستقل از جمله اقتصاد و صنعت نقش چشمگیری ایفا می‌کنند (۳۰).

در دهه ۱۹۵۰ سیاست "سرزمینهای بکر" (۳۱) خروشچوف، خیل عظیمی از روسها را به مناطق حاصلخیز شمال قزاقستان انتقال

داد. ابعاد عملیات اعزام مهاجران روسی آن چنان وسیع بود که بعد از گذشت چهل سال از آغاز کار، در حال حاضر روسها در مناطق شمالی این جمهوری که صنایع سنگین و مزارع مکانیزه این کشور در آن تمرکز یافته، از نظر جمعیت در اکثریت قرار دارند.

آخرین آمار منتشره، وضعیت روسهایی که تبعه جمهوریهای مسلمان می‌باشند را به شرح ذیل نشان می‌دهد (۳۲).

۱ - قزاقستان ۳۷ درصد

۲ - قرقیزستان ۲۱/۵ درصد

۳ - تاجیکستان ۳/۵ درصد

۴ - ازبکستان ۸/۳ درصد

۵ - ترکمنستان ۹/۸ درصد

۶ - آذربایجان ۵/۶ درصد

باید به این ارقام نیروهای نظامی روسی که در بعضی از این کشورها حتی بعد از کسب استقلال حضور چشمگیر دارند را افزود.

در حال حاضر ارتش روسیه در جمهوری تاجیکستان حضور فراگیر داشته و در ارتش ملی ترکمنستان نیز روس تبارها سمتهای مهمی را در تصدی دارند (۳۳).

رهبران ملی جمهوریهای مسلمان با پذیرش نفوذ روسها و گروههای کمونیست وابسته به آنها، در درازمدت به وقوع دو پدیده اجتماعی امید بسته اند.

الف - نرخ مولید مسلمانها بسیار بیشتر از اقوام دیگر خصوصاً اروپائیان و روسهای مقیم این جمهوریها بوده که این موضوع در درازمدت

درصد جمعیت روس تبارها را در این جمهوریها به شدت کاهش خواهد داد.

ب - پس از فروپاشی شوروی سابق و استقلال جمهوریهای مسلمان، سیاست اعزام مهاجر روس به این جمهوریها متوقف شده و متقابلاً با توجه به تشدید احساسات ضد روسی در این جمهوریها، روند مهاجرت روسها به موطن اصلی یعنی روسیه، به شدت افزایش یافته است. به عنوان نمونه جمعیت روس تبارها در شهر صنعتی اکتانو در قزاقستان از ۹۵ درصد در دهه هفتاد، به ۴۷ درصد در سال ۱۹۹۳ رسیده است (۳۴).

۶ - نتیجه گیری

فروپاشی نظام شوروی سابق موهبتی است الهی برای جمهوریهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز که لازم است مردم این جمهوریها برای جبران دهها سال استعمار و آغاز توسعه فرهنگی و اقتصادی، از این فرصت بوجود آمده نهایت استفاده را بنمایند. بعد از کسب استقلال همه این جمهوریها درصدد گسستن زنجیرهای وابستگی به مسکو بوده اند، لیکن در این راه دولتمردان این جمهوریها بعضاً مرتکب اشتباهاتی از جمله گرایش شدید به سمت دولتهای استعمارگر غربی گردیده که انعقاد دهها قرارداد درازمدت با ارزش هنگفت برای بهره برداری از منابع طبیعی این کشورها توسط شرکتهای غربی و حتی صهیونیستی یکی از نمودهای بارز آن می باشد.

این گون نه اقدامات انفعالی و شتاب زده (پناه بردن به یک قدرت استعمارگر برای رهایی از دیگری)، اولاً، موجبات وابستگی سیاسی و اقتصادی این کشورها را فراهم ساخته، ثانیاً، حضور گسترده اسرائیل و بعضی از کشورهای غربی خصوصاً آمریکا، برای مردم مسلمان این کشورها قابل پذیرش نبوده و موجبات نارضایتی آنها نسبت به دولتمردان این کشورها را برمی انگیزد، ثالثاً، حضور کشورهای غربی در منطقه، بهانه ای برای روسیه برای دخالت در امور داخلی این کشورها شده، که نهایتاً منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را دچار تنش و تبدیل به صحنه و رقابت بین روسیه و کشورهای غربی خواهد کرد، که همه این موارد مانع توسعه واقعی و پایدار این جمهوریهای جوان می گردد. لذا منطقی به نظر می رسد که جمهوریهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز، به منظور کسب استقلال اقتصادی و تحکیم استقلال سیاسی خود، به همگرایی منطقه ای روی آورده و در مرحله اول برای تامین نیازهای خود از نیروها و امکانات وسیع موجود در منطقه استفاده نمایند. از جمله این اقدامات می تواند موارد ذیل باشد:

۱ - همانگونه که قبلاً اشاره گردید، یکی از مشکلات مهم اقتصادی جمهوریهای آسیای مرکزی و قفقاز، فقدان سرمایه نقدی کافی، به منظور بهره برداری از منابع غنی معدنی و نفتی این کشورها بوده، که موجب گردیده، کشورهای مزبور به شرکتهای و بانکهای غربی روی آورند.

بانک توسعه اسلامی با توجه به توان مالی بالای آن می تواند نقش موثری در رفع این نیاز جمهوریهای مزبور ایفا نماید.

۲ - فقدان کادر متخصص و کارشناس به منظور احیای صنعت و اقتصاد این کشورها، یکی از عوامل انعقاد قراردادهای هنگفت با شرکت‌های غربی می‌باشد. لیکن با توجه به تجربیات سایر کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران در زمینه بهره برداری از منابع زیرزمینی و وجود کارشناسان زنده در این زمینه، کمیته‌های فنی سازمان همکاریهای اقتصادی (اگو) می‌توانند مرجع شایسته‌ای برای تامین نیاز کشورهای مزبور در این زمینه و از داخل مجموعه اگو باشند، خصوصاً این که همه جمهوریهای مسلمان شوروی سابق بعد از کسب استقلال به این اتحادیه منطقه‌ای پیوسته‌اند.

به طور کلی، اگو در صورت فعال شدن می‌تواند فضای بسیار خوبی برای فعالیتهای صنعتی از طریق سرمایه‌گذاریهای مشترک و غیره و نیز بازرگانی خارجی این جمهوریها را پدید آورد.

۳ - یکی از مشکلات جمهوریهای آسیای مرکزی و حتی آذربایجان، که به دلیل موقعیت جغرافیایی و وجود جنگ و خصومت سیاسی در منطقه قفقاز پدید آمده، مشکل حمل و نقل کالا در فعالیت بازرگانی خارجی می‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به دارا بودن موقعیت ویژه جغرافیایی می‌تواند پلی برای

اتصال این جمهوریها به دریای عمان و اقیانوس هند و از آنجا به بازارهای بین‌المللی بوده و از این طریق نقش موثری در کاهش وابستگی این جمهوریها به قلمرو زمینی و دریایی کشور روسیه و به تبع آن تضعیف کاهش اهرم فشار روسیه بر این کشورها برای ترانزیت کالاهایشان داشته باشد، که در این رابطه منطقه آزاد چاه بهار از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است.

ضروری است که کمیته‌های فنی سازمان همکاریهای اقتصادی (اگو) برای شناسایی نیازهای این کشورها و ارائه راه‌حلهای عملی سریعاً فعال گردند.

۴ - نظر به اینکه بعضی از کشورهای مسلمان شوروی سابق مثل قزاقستان و آذربایجان در آینده نزدیک از صادرکنندگان بزرگ نفت در جهان خواهند بود، حضور فعال این کشورها در اپک می‌تواند نقش بسزایی در تامین منافع ملی آنها در بازارهای نفت بین‌المللی ایفا نمایند.

در اینجا سخن را با پیام تاریخی حضرت امام خمینی به میخائیل گورباچف در دی ماه ۱۳۶۷ و در دوران زمامداری وی بر اتحاد جماهیر شوروی - که لازم است بعد از گذشت شش سال نصب‌العین صاحبان حکومت در جمهوریهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز نیز قرار گیرد - به پایان می‌رسانیم:

«البته ممکن است از شیوه‌های ناصحیح و

عملکرد غلط قدرتمندان پیشین کمونیسیم در زمینه اقتصاد، باغ سبز دنیای غرب رخ بنماید ولی حقیقت جای دیگری است. شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره‌های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسیم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده‌اید که دیگران باید

بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند. چرا که امروزه اگر مارکسیسم در روشهای اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر، و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است."

والسلام

پی‌نوشتها:

- 1 - BISINIS, Commercial Overview of Tajikistan (Washington BISINIS, 94), p.6
- 2 - BISINIS, Commercial Overview of Uzbekistan (Washington: BISINIS, 94), p.6
- 3 - BISINIS, Commercial Overview of Turkmenistan (Washington: BISINIS, 94), p.6
- ۴- مایکل ریوگین. حکومت مسکو و مساله مسلمانان آسیای مرکزی، مترجم: محمود رمضان‌زاده (مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۶) ص ص ۲۶ - ۳۲.
- 5 - New Economic Policy (NEP)
- 6 - Kiev
- 7 - Kharkov
- 8 - Donets Basin
- 9 - Marshall I. Goldman, USSR IN CRISIS, THE FAILURE OF THE ECONOMIC SYSTEM (Newyork W.W. Norton & Company, 1993), p.91
- ۱۰- مایکل ریوگین، پیشین، ص ص ۱۶۷ - ۱۶۹
- 11 - Unal Cevikoz, "A Brief Account of the Economic Situation in the Former Soviet Republics of Central Asia", Central Asian Survey (1994), 13 (1), 45 - 50
- ۱۲- همان، ص ص ۷۰ - ۷۱
- ۱۳- آلک نوو، تاریخ اقتصادی شوروی، ترجمه پیروز الف. (تهران: نشر تندر، ۱۳۶۱) ص ص ۲۰۸ - ۲۱۰
- ۱۴- هلن کاردانکوس، امپراتوری فروپاشیده، مترجم: عباس آگاهی (مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶)، ص ص ۱۲۴ - ۱۲۵.

15 - E.I.U. Country Profile of Georgia, Armenia, Azerbaijan, Kazakhstan, Central Asian Republics (93 - 94 London: E.I.U. 1994). p.62

16 - Ibid pp.73,135,49

17 - E.I.U. Country Profile of Georgia, Armenia, Azerbaijan, Kazakhstan, Central Asian Republics, 93 / 94 (London: E.I.U 94)

18 - Ibid. p.111, 132

۱۹- خبرگزاری ج.ا.ایران، روسیه، روندبازگشت به قلمرو سابق (۲)، ۷۳/۸/۱۱، ص ۳۹

۲۰- روزنامه رسالت، ۷۳/۷/۱۸، ص ۳

۲۱- روزنامه جمهوری، ۷۳/۸/۷، ص ۱۴

۲۲- ضمیمه روزنامه اطلاعات، ۷۳/۷/۲۱، ص ۱

۲۳- مجله صفحه اول، خرداد ۷۳، ص ۱۷ به نقل از مشاور حیدرعلی اف در امور خارجی مندرج در روزنامه فاینشال

تایمز مورخ ۷ مارس ۱۹۹۴

۲۴- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، بولتن روزانه بازرگانی، ۷۳/۹/۲۱، ص ص ۱ - ۲

۲۵- همان مأخذ

۲۶- خبرگزاری ج.ا.ایران پیشین، ص ۳۹

۲۷- روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۳/۸/۲، ص ۴

۲۸- خبرگزاری ج.ا.ایران پیشین، ص ۷۴

۲۹- صفحه اول، ویژه نامه نوروز ۷۳، ص ۷

30 - E.I.U Op.Cit, P. 62.

31 - Virgin Land

32 - Newsweek, June 27,94, p.27

۳۳- مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵، تابستان ۷۳، ص ۹۶.

۳۴- ضمیمه روزنامه اطلاعات، ۷۳/۷/۲۳، ص ۱. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

- 1 - BISINIS, Commercial Overview of Tajikistan, Washington: BISINIS, 94
2. BISINIS, Commercial Overview of Uzbekistan, Washington: BISINIS, 94
3. BISINIS, Commercial Overview of Turkmenistan Washington: BISINIS, 94
4. Cevikz Unal, "A Brief Account of the Economic Situation in the Former Soviet Republics of Central Asia, Central Asian Survey, (1994), 13, (1)
5. E.I.U., Country Profile of Georgia, Armenia, Azerbaijan, Kazakhstan, Central Asian Republics 93/94, London: E.I.U.94
6. Goldman I. Marshall. USSR IN CRISIS, The FAILURE OF THE ECONOMIC SYSTEM, Newyork: W.W.Norton Company, 1983
7. Newsweek, 27 June 94

منابع فارسی

- ۱ - خبرگزاری ج.ا.ایران، بولتن روسیه روند بازگشت به قلمرو سابق (۲)، ۷۳/۸/۱۱
- ۲ - روزنامه رسالت، ۷۳/۷/۱۸
- ۳ - ۹۸۰۷ - روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۳/۸/۷، ۷۳/۸/۲۴، ۷۳/۸/۲
- ۴ - ۱۰ و ۱۱ - روزنامه اطلاعات، ۷۳/۷/۲۱، ۷۳/۷/۲۳
- ۵ - ریوکین مایکل حکومت مسکو و مسأله مسلمانان آسیای مرکزی شوروی، مترجم: محمود رمضان زاده، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی ۱۳۶۶
- ۶ - کارروانکوس، هلن امپراطوری فروپاشیده، مترجم: عباس آگاهی، مشهد: معافیت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶
- ۷ - مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵، تابستان ۷۳
- ۸ - مجله صفحه اول - ویژه نامه نوروز ۷۳
- ۹ - موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، بولتن روزانه بازرگانی، ۷۳/۹/۲۱
- ۱۰ - نوو، آلک، تاریخ اقتصادی شوروی، مترجم. بیروز الف. تهران: نشر تندر، ۱۳۶۱